

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۵)

معصومه محمدی سیف^۱

چکیده

هنرهای دستی در ایران اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چرا که از یک سو، نماد فرهنگی کشور محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، وجوه تمایز فرهنگ هر منطقه را به خوبی نشان می‌دهند. در این بین، خورشید از جایگاه والایی برخوردار است. بررسی هنرهای دستی ایران حاکی از آن است که تصویر خورشید از گذشته تا امروز، به شکل‌های مختلف، مورد توجه هنرمندان صنایع دستی قرار گرفته و از این رو، در این نوشتار، نگارنده، درصدد کشف، شناسایی و توصیف زیبایی‌ها و پیچیدگی‌های نقش خورشید در هنرهای دستی ایران برآمده و به چگونگی نقش آن انواع هنرهای دستی توجه کرده است.

مقاله حاضر، از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و از روش‌های اسنادی و میدانی (مشاهده) بهره جسته است. ابزار اصلی مطالعه و گردآوری اطلاعات را نیز منابع کتابخانه‌ای تشکیل داده و در نهایت، با مطالعات میدانی و مشاهده، به تکمیل مباحث و ارائه مصادیقی از وجود نقش‌مایه خورشید در هنرهای دستی هنرمندان معاصر پرداخته شده است.

این جستار نشان می‌دهد که خورشید در باورهای اسطوره‌ای و بویژه آیین میترا جایگاه والایی دارد و انعکاس این نگاره در هنرهای دستی، نشئت گرفته از تقدس خورشید است. نگاره خورشید به شکل انتزاعی دایره، در انواع صنایع دستی ایران نمود دارد.

کلیدواژه‌ها: خورشید، هنرهای دستی، نماد، اسطوره، میترا.

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، پژوهشگر فرهنگ اقوام. رایانامه: iranian_researcher1@yahoo.com

۱. مقدمه

هنرهای دستی هر منطقه، مهم‌ترین و مشخص‌ترین نماد فرهنگی آن به شمار می‌روند؛ میراثی ماندگار که نسل به نسل حفظ شده و با گذر زمان، زیبایی خود را از دست نداده است چنان که هر نسلی از جذابیت و زیبایی آن بهره می‌برد. یکی از دلایل جذابیت هنرهای دستی، استفاده از عناصر و نمادهای طبیعی است که از دیرباز مورد توجه هنرمندان بوده است؛ نمادهایی همچون خورشید، که در آثار هنری به جا مانده در طول تاریخ و دوره‌های مختلف، به کرات دیده می‌شود. مشخصه نقش و نگارهای طبیعی، همچون خورشید این است که در نخستین نگاه، احساس شادی را در انسان برمی‌انگیزد و این شیوایی و صراحت، برجسته‌ترین مشخصه و دلیل تداوم چنین نقش‌هایی در هنرهای دستی است. همچنین گفته می‌شود که «نقوش صنایع دستی بازگوکننده بسیاری از آیین‌ها و حوادث از یادرفته‌اند و می‌توان اشکال مختلف گیاهان، پرندگان و جانوران را در قالبی اسطوره‌ای یا صرفاً تزئینی، در آنها مشاهده کرد» (بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۲۸).

درواقع، آثار هنری هر دوره، می‌تواند ابزار مهمی برای شناسایی وضعیت فرهنگی و تاریخی خاص آن باشند، زیرا تغییرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توانسته‌اند تأثیر مستقیمی بر آثار هنری، بویژه نقوش فرشی ایجاد کنند. این نمادهای کهن، به دلیل فرم و شکل بسیار دلنشین خود، در هنرهای اسلامی نیز پذیرفته شده‌اند و یکی از زیباترین آنها، یعنی خورشید که به عنوان نیروی زندگی‌بخش، از اهمیت خاصی در بین ایرانیان، برخوردار است، همچنان حیات خود در فرهنگ ایرانی ادامه می‌دهد.

نقش نمادین خورشید که برخاسته از باورها و اعتقادات مذهبی مردمان ایران و انعکاسی از جهان‌بینی و تفکر فلسفی جامعه ایرانی - اسلامی است، در تاریخ سرزمین ایران، به کرات دیده شده و قابل لمس است این نقش که از گذشته‌های کهن برجای مانده، در آثار دوران اسلامی نیز به خوبی جای گرفته و خود را با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عصر حاضر همسو کرده است. همچنین حامل اندیشه‌ها و مفاهیم بلند و عمیقی است که در عرفان اسلامی نیز به راحتی پذیرفته شده‌اند. به عبارت دیگر، دارای شاخص‌ها و ارزش‌های ثابتی است که با تمامی تغییرات پدید آمده، همسو شده

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۴۲

و جهت گرفته است. از طرفی، «جایگاه والای خورشید در کتاب مقدس اسلام، یعنی قرآن کریم انعکاس یافته و سوره‌ای با نام شمس در میان این کتاب پدیدار شده است که در آن، پروردگار توانا، به خورشید سوگند یاد می‌کند و در سوره‌ای دیگر خدا نور آسمان‌ها و زمین یاد می‌شود و تجلیاتی از خورشید در این سوره به حضرت حق تعالی نسبت داده می‌شود. علاوه بر موارد فوق، برخی از متون اسلامی، خورشید را برابر بهشت، و پرتوهای آن را، طریقت وصال به رحمت الهی توصیف کرده‌اند» (بهار، ۱۳۶۲: ۱۶۸) از این رو، شناخت هنرهای دستی و بویژه، نقش خاص خورشید در آنها، یکی از موضوعات مهم، ارزشمند و در خور تأمل در بحث جامعه‌شناسی و فرهنگ است که توجه به این امر مهم، انتقال آن به آیندگان را به عنوان میراثی فرهنگی، بسیار حائز اهمیت می‌کند. در واقع، بررسی نقش خورشید در هنرهای دستی در ادوار مختلف، یکی از روش‌های دستیابی به ریشه‌های تمدن و فرهنگ اقوام متمدن ایرانی است که توجه و پژوهش بیشتر در این عرصه را می‌طلبد. بررسی نقش این نماد و نیز درک جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن، مستلزم استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده و مطالعات چند جانبه اجتماعی است.

در خصوص پیشینه نماد خورشید در هنرهای دستی باید گفت طبیعت همواره الهام‌بخش هنرمندان بوده و بویژه در هنر شرقی، خود را به صورت نماد و رمز نشان داده است. «این نمادها و رمزها در قالب کلمات، تصاویر و نقوش رخ می‌نماید و فراسوی ظاهر ساده اشکال و حروف، به مفاهیم عظیم و معانی پیچیده‌ای اشاره دارد که از عوامل آیینی، فولکلور جامعه و ناخودآگاه جمعی نشئت گرفته است. این نمادینگی طبیعت در هنر شرقی در موضوعات گوناگون و متعددی مورد کاربرد قرار گرفته است. طبیعت در هنر از ابتدا برای سرمشق و منبع الهام هنرمندان بروز کرده است» (شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵۶). برای نمونه، می‌توان به نقش خورشید در بسیاری از هنرهای دستی ایران اشاره کرد که از گذشته تا امروز، در بسیاری از هنرهای دستی به نمایش گذاشته شده و جلوه خاصی به آنها بخشیده است، تا جایی که تالو و درخشش خود را همچنان پس از گذشت قرن‌ها، حفظ کرده است. در واقع «اسطوره‌های بسیاری که در مورد خورشید از اقوام کهن به‌جای مانده، بیانگر این است که این سیاره [ستاره]

۴۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شگرف از دیرباز، مورد تقدیس و احترام مردم قرار گرفته و نقشی اساسی و غیرقابل انکار در اعتقادات آنان داشته است» (جعفری قریه‌علی، ۱۳۸۵: ۶۹). همچنین می‌توان نمادها و نشانه‌هایی را در لوازم روزمره زندگی مردم یافت که ریشه در اعتقادات و آیین‌های آنان داشته‌اند. نقوشی که به مرور زمان و براساس نگرش مردم، در هر دوره، تحول یافته، پالایش شده و سینه به سینه، ثبت، ضبط و منتقل شده‌اند. در میان نقوش به دست آمده از میان دوره‌ها، نقش مایه خورشید جایگاه ویژه‌ای دارد و در ازمنه تاریخی ایران به کرات در فرآورده‌های دستی به کار رفته است. خورشید و نقوش وابسته به آن همچون چلیپا، ریشه در آیین مهرپرستی^۱ دارند. آیینی که از ایران به بین‌النهرین و آسیای صغیر رفت و بر اثر تماس‌ها و ارتباطات سیاسی و اجتماعی به یونان و روم راه یافت و در عیسویت نفوذ کرد. از این رو، تقدس خورشید در بین بسیاری از اقوام کهن نیز دیده می‌شود. (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۹۰۴ و ۴۹۳).

ریشه تقدس خورشید شاید از میترائیسم و درآمیختن مهر با الهه محلی خورشید نزد ایرانیان نشئت گرفته باشد. در کتاب رمزپردازی آتش نیز «ولادت میترا و مسیح در یک روز معرفی شده و خورشید با میترا یکی دانسته شده است (به نقل از قریشی و حاجی زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۵). این آیین هند و ایرانی که در ایران و بخش وسیعی از آسیا و اروپا رواج داشته، تأثیر زیادی بر آیین‌های پس از خود گذاشته و گسترش یافته است. «آیین میترا به مرور زمان از شرق به سمت غرب رواج پیدا کرد. رومی‌ها میترا را به وسیله دریازنان سلیسی^۲ که یکی از ایالات آسیای صغیر است، شناختند. اینان روی کوه الپ در ناحیه لیبی قربانی‌های شگفت‌انگیزی کردند و در خفا مناسک اسرارآمیزی را انجام دادند که امروزه در آیین میترا بازمانده است. همین دریازنان نخستین کسانی بودند که در پراکنده کردن آیین میترا کوشیدند» (ورمازن، ۱۳۸۳: ۳۱). هاشم رضی نیز در

۱. مهرپرستی یا میترائیسم آیینی بود که بر پایه پرستش «میترا» یا «مهر» در دوران پیش از زرتشت بنیان نهاده شد و از آن به عنوان ایزد جنگاوری، عدالت، پاکی نام برده می‌شد. (ستاری، ۱۳۹۴: ۱۰۴)

۲. از «دریازنان سلیسی» دو تعبیر وجود دارد برخی آنان را زنان دریانورد اهل و ساکن جزیره لیبی (lycie) می‌داند. (ورمازن، ۱۳۸۳: ۳۱) اما برخی دیگر آنان را «دزدان دریایی اهل و ساکن جزیره لیبی» می‌دانند که مشابه با «راهزن» به آنها «دریازن» می‌گفتند. اغلب منابع گسترش آیین میترائیسم در جهان را توسط دریازنان سلیسی می‌دانند. (رضی، ۱۳۸۲: ۳۸)

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۴۵

پژوهش خود، آیین مهری را یکی از آیین‌های کهن و تأثیرگذار بر فرهنگ ایران پنهان می‌داند. «در آغاز، قسمت عمده دین مسیحیت را میترائیسم تشکیل می‌داد؛ ولی به مرور زمان و هنگامی که به عنوان دین رسمی امپراتوری روم شناخته شد، جریان تصفیه ایده‌های شرقی شروع می‌شود. حتی سرودهای مذهبی پارسی که در آن آشوزرتشت، تولد ناجی، یعنی حضرت عیسی را پیشگویی کرده و به تعمیم او نیز اشاره شده و در انجیل هم آمده، قانونی و مقدس به حساب نیامدند» (رضی، ۱۳۸۱: ۴۱). ورمازرن هم در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند که «هر دو امپراتوری روم و ایران به خورشید، میترای شکست‌ناپذیر، معتقد بودند و این، به معنای پیوند روحانی دو دولت قوی غرب و شرق بود و می‌توانست به ایجاد تشکیلات واحد سیاسی دولتی دو امپراتوری عظیم منجر شود.» (ورمازن، ۱۳۸۳: ۳۱) اگر این اتفاق می‌افتاد شاید تاریخ جهان، سرنوشتی دیگر پیدا می‌کرد «میترائیسم تأثیر بسیار گسترده‌ای بر مسیحیت گذاشت، ولی به دلایل تاریخی، ایدئولوژیکی و سیاسی از بین رفت و جای خود را به مسیحیت داد اگر فاکتورهای سیاسی پیش نمی‌آمد، فاکتورهای تاریخی و ایدئولوژیکی نمی‌توانستند مشخص کنند در مبارزه بین دو دین زرتشتی و مسیحیت، کدام یک پیروز از میدان به درمی‌آید. برای پیروزی در جنگ‌های دائمی با ایران، طبیعی بود که میترائیسم به هیچ عنوان نمی‌تواند دین رسمی و دولتی امپراتوری روم شود و خواسته‌های سیاسی دولت را در این مسیر ارضا کند.» (اولانسی، ۱۳۸۰: ۱۸۸)

همه این عوامل در توجه و علاقه هنرمندان به نقش خورشید و ترسیم آن به انواع مختلف بر روی هنرهای دستی تأثیرگذار بوده است؛ چرا که خورشید از دیرباز، جایگاه والایی در بین مردم داشته و در واقع، «نقش خورشید خانم با مفهوم ضمنی خود در طی این سال‌ها در فرهنگ ایرانی همچنان زنده مانده است، به طوری که امروزه به صورت کاربردی نمادین استفاده می‌شود. این نقش را به سهولت بر روی آثار مختلف صنایع دستی ایران می‌توان مشاهده کرد و جالب این است که هر منطقه‌ای از ایران، خورشید خانمی را با شخصیت خاص و رنگ‌آمیزی‌های مخصوص به آن ناحیه جغرافیایی بر روی صنایع دستی خود می‌نگارد.» (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹).

۲. پیشینه پژوهش

خورشید از نگاره‌های پراهمیت در هنر اسلامی است از این رو آثار متنوعی در خصوص واکاوی نمادین این نقش در هنرهای مختلف ایرانی نگاشته شده است. بسیاری آثار از جمله بختورتاش (۱۳۵۶) خورشید را در ارتباط با گردونه مهر بررسی کرده‌اند. جعفری قریه علی (۱۳۸۵) این نگاره را در منظومه‌های حماسی ملی ذاکرین (۱۳۹۰) آن را بر روی سفالینه‌های ایران و شاه‌پروری و میرزاامینی (۱۳۹۵) در قالی ایرانی واکاوی نموده‌اند. به جز بررسی این نقش در هنرهای اسلامی همچون تحقیق محمدی (۱۳۸۷)، برخی با نگاه ادبی خورشید را در آثار کلاسیک کندوکاو کرده‌اند مانند قریشی و حاجی‌زاده (۱۳۹۵) که خورشید را در مثنوی مولانا بررسی نموده‌اند. این جستار تلاش می‌کند براساس جایگاه خورشید در باورهای اسطوره‌ای و جهان‌بینی اسلامی، با بررسی مَهرها، ظروف سفالی و فلزی، قالی‌ها، سنجاق‌ها و دست‌بافت‌های محلی، مفهوم نمادین خورشید را در هنرهای دستی ایران تبیین نماید.

۳. مبانی نظری

«خورشید در لغت، به عنوان ستاره‌ای درخشان که سیارات منظومه شمسی به گرد آن می‌چرخند، تعریف شده که واژگان مترادف آن در ادبیات فارسی، برابر خور، هورشید، آفتاب، مهر و شمس است (معین، ذیل خورشید). همچنین خورشید از منظر نجوم، ستاره‌ای است که سرچشمه اصلی نور، گرما و زندگی بر روی زمین به شمار می‌رود. و «قطرش نزدیک به ۱۰۹ برابر قطر زمین و جرمش ۳۳۰ هزار برابر جرم زمین، است.» (woolfson, 2001, 1.12) به نقل از شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵۶).

واژه مهر، در فارسی متأخر، متحول شده لفظ میتراست. در اوستا و کتیبه‌های هخامنشی میترا و در سانسکریت، میترا آمده است. این لفظ در پهلوی تبدیل به میترا شده و ما امروز آن را مهر می‌گوییم؛ به معنی خورشید، محبت و پیمان. «مهر بویژه در زمستان هخامنشیان، مهردهنده پیروزی و نگهدار شبان و چراگاه بوده است و در عصر ساسانیان، به جای او «ورهام» یا «بهرام»، حامی تخت ساسانیان بود و ایزد راستی، داد

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۴۷

و پیمان. در واقع، «خورشید در اسطوره‌ها با ایزدان رابطه‌ای نزدیک دارد و بارها در اساطیر از ایزد خورشید سخن به میان آمده است و نام یکی از ایزدان آیین مزدیسناست. صورت اوستایی آن هورخشت و در پهلوی خورشیت و در فارسی خورشید و همان کره آفتاب است. در گات‌ها به صورت هور و در سایر بخش‌های اوستا، هور و هورخشت به کار رفته است. یشتی از کتاب یشت‌ها به نام خورشید در ستایش این ایزد است». (عقیقی، ۱۳۷۴: ۵۰۳ - ۵۰۲)

۳-۱. جایگاه خورشید در باورهای اسطوره‌ای

مطالعه کتاب‌ها و منابع تاریخی نشان می‌دهد که: دین میترا از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح، بین آریایی‌ها به‌عنوان ایزد عهد و پیمان رواج داشته است. (تصویر ۱).



تصویر ۱. آیین مهر در شوش (بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۲۹).

«این آیین در سال ۶۶ میلادی در دیدار تیرداد شاه و نرون، به نرون معرفی و تا سال ۳۲۵ میلادی، دین رسمی امپراتوری رم بود» (رضی، ۱۳۸۲: ۸۹). همان‌طور که می‌خوانیم، این دین در قرن یکم میلادی، در زمان امپراتوری اشکانی از راه ارمنستان و

۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

استان پونتس^۱، از طریق مهردینان ایرانی و بازرگانان به اروپا برده شد و با اندیشه‌های افلاطون در هم آمیخت. هاشم رضی در پژوهش خود می‌گوید: «دین مهری، دارای نمادهای متفاوت و مختلفی است و مهرابه‌های آن، یک نماد و یا سمبل است. مراسم عبادت برای میترا در غارهای طبیعی برگزار می‌شده است. نزدیک غار باید آب روان، رود یا چشمه‌ای وجود می‌داشت. چنین غار - مهرابه‌هایی در بسیاری از نقاط اروپا در فرانسه، آلمان، یوگسلاوی و ایتالیا یافت شده است.» (همان)

«در کتاب «الملل و النحل» نیز از گروهی به نام عبده شمس نام برده شده است. این گروه بر این باور بودند که آفتاب، فرشته‌ای از فرشتگان و دارای نفس و عقل است. هستی موجودات سفلی از نور آفتاب منشأ می‌گیرد، به همین دلیل، خورشید استحقاق تعظیم و دعا و سجده دارد.» (به نقل از جعفری قریه‌علی، ۱۳۸۵: ۷۰). زرتشت اندیشه‌ور بزرگ تاریخ، پای به جهان اندیشه و فراپویی اندیشه می‌نهد و با فراندازی (طرح) پرسمان‌ها و فراهشت‌های تازه، اندیشه را از تارو پودهای درنگیده و کهنه می‌رهاند و به جهان تازه می‌کشاند. آنجا که در گات‌ها، هات ۴۴، بند ۳۰ می‌گوید: «ای مزدا، این از تو می‌پرسم، مرا به درستی بازگویی، چه کسی در آغاز، آفریدگار و پدر راستی گردید؟ چه کسی به خورشید و ستارگان راه پیمودن نمود؟ چه کسی است که از او، ماه گاه می‌افزاید و گاه می‌کاهد؟ ای مزدا من خواهانم که همه اینها و دیگر چیزها را بدانم.» (به نقل از وحیدی، ۱۳۶۴: ۳۲۷ - ۳۲۶)

در واقع، در منابع تاریخی آمده است: «دین زرتشت در زمان ساسانیان، موقعیت ایدئولوژیکی دولتی داشت، درحالی که روم فاقد چنین ایدئولوژی‌ای بود؛ و نیاز به آن ایدئولوژی در آن زمان بسیار محسوس بود. در نگرشی جامع‌تر، آشکارترین و اصیل‌ترین نماد اهورامزدا، نور مطلق به شمار می‌آید که مصداق و کالبد زمینی آن طبق توصیفات هفت‌پاره خورشید^۲ است. همچنین در عصر هخامنشی که آیین زرتشتی نیز رایج بوده، خورشید در حکم تجلی و تداعی بُعد معنوی و مزدایی بوده است، از این رو، مورد ستایش

۱. استانی که در حاشیه دریای سیاه بوده است.

۲. نگاره خورشید اغلب در مرکز کیهان تصویر می‌شود و تعداد اشعه آن بر حسب سنت هفت تاست که نمادهای گسترده یا ابعاد و فضا محسوب می‌شوند. (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۸۶)

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۴۹

و تقدیر قرار گرفته و به کرات در بیرق‌های ایران باستان به‌عنوان نمادی از نور اهورامزدا، عمر جاویدان و بی‌مرگی حضور یافته است.» (شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵۷). در آموزه‌های مانویان نیز، مقام خورشید از جایگاه والایی برخوردار است. در اعتقادات این آیین، «نور به‌عنوان عالی‌ترین ذات هستی به شمار می‌رود که بر تمام موجودات حکم‌فرمایی می‌کند و از آنجایی که خورشید، مصداق عینی و مادی این نور به شمار می‌آید، این جرم سماوی در حکم جوهر الهی پنداشته می‌شود» (ویدن‌گرن، ۱۳۸۷: ۶۴). از این رو، خورشید در آموزه‌های آیین مانویان از تقدس والایی برخوردار است. در فقه اسلامی هم خورشید در زمره مطهرات به شمار می‌آید و در قرآن نیز به آن سوگند یاد شده است. (شمس / ۱) می‌توان گفت آتش زمینی، پرتو و جلوه‌ای از آتش آسمانی است که با مفاهیمی چون باروری و زاینده‌گی، مرگ و رستاخیز، تطهیر و جوان‌شدگی، جاودانگی، رازآموزی، آگاهی، روشنی و خورشید در ارتباط است. چنین نگرشی به خورشید، همان‌گونه که در پژوهش‌ها آمده، می‌تواند از باور اسطوره‌ای اعتقاد به عظمت و سروری خورشید، روشنی و نورانی‌تی که نمادی از آگاهی، آگاهی‌بخشی است، مایه گرفته باشد.

۳-۲. تقدس خورشید انعکاسی از جهان‌بینی

میان آثار هنری و نیز وضعیت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، رابطه‌ای دو سویه وجود دارد. از این رو، آثار هنری هر دوره، می‌توانند ابزار مهمی برای شناسایی وضعیت فرهنگی و تاریخی خاص آن دوره باشند. از سوی دیگر، می‌توان تغییرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را نیز در آثار هنری، بویژه نقوش فرشی مشاهده کرد. «بسیاری از شاعران و نویسندگان اسلامی در آثار خود، از مفاهیم عمیق و اندیشه‌های بلند عرفان اسلامی و حکمت الهی ایران باستان بهره گرفته‌اند. هنرمندان مسلمان نیز از این خوان نعمت بی‌نصیب نبوده‌اند» (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۱).

تقدس خورشید با نظام معیشت انسان‌ها نیز مرتبط بوده است «زمانی که بشر به زندگی کشاورزی روی آورد و دریافت که نور و حرارت خورشید، سبب باروری زمین و پرورش گیاهان و موجب گرم‌کردن و نیرو بخشیدن به انسان می‌شود، خورشید را به جای ماه برای پرستش برگزید. به این ترتیب، افسانه‌های مربوط به خورشید با قراردادهای

کشاورزی و دامداری در آمیخت» (بختورتاش، ۱۳۵۶: ۷). «خورشید به دلیل ویژگی‌های خاص و متعدد، یکی از عناصری است که نگرش اسطوره‌ای و تخیل‌آمیز بشر را از دوران قدیم تاکنون به خویش جلب کرده است.» (قریشی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۹). در مجموع، می‌توان گفت: در تاریخ هر قوم، نمادها و نشانه‌های تصویری فراوانی وجود دارند که هر کدام برای تجسم واژه معینی برگزیده شده‌اند. رفته رفته کاربرد این نقوش که به شکل نمادین درآمده بود، به قدری رواج یافت که با محتوای فکری انسان یکی شد و توجه همگان را به خود جلب کرد. هنرمندان در طراحی این نقوش کوشیدند تا اثری دلپذیر و زیبا، مطابق با نیازهای جسمی، روحی و فطرت انسان فراهم سازند. از طرفی نیز توانستند بسیاری از مفاهیم فرهنگی و مذهبی را با زبان نمادین طرح‌ها و نقش‌ها بیان کنند. در واقع، این نقوش جلوه‌هایی از توانایی‌های فرهنگی و مذهبی جامعه‌ای هستند که هنرمند در آن زندگی می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۱)

در بسیاری از اماکن تاریخی ایران، از جمله «کاخ سه دروازه» تخت جمشید در دوره هخامنشی، نقش خورشید قابل مشاهده است. (تصویر ۲) «این شیوه نمایاندن خورشید، بعدها در دوره هخامنشی و ساسانی، مبنای نقش فرور قرار گرفت و به دفعات در بناها و نقش برجسته‌های این دوره‌ها به کار رفت.» (بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۳۰)



تصویر ۲. هخامنشیان، تخت جمشید، کاخ سه دروازه، قرن ۵ و ۶ پ.م. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۹۹).

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۵۱

۴. بحث و بررسی

در این بخش، جایگاه خورشید در هنرهای دستی ایران، بررسی و نمونه‌ها و مصادیق آن تشریح خواهد شد. «پس از ظهور و ورود دین اسلام به ایران نیز، برخی از اعتقادات و آموزه‌های ادیان پیشین در اثر ورود دین جدید، حذف و برخی دیگر با تغییرات تدریجی با دین جدید، تطبیق یافت و در عرفان، اندیشه و فرهنگ عمومی جاری گردید. خورشید، از جمله عناصری است که در دوره اسلامی، همچنان جایگاه پیشین خود را حفظ نموده و در فرهنگ اسلامی با جایگاهی والا رواج یافته است. چنان که در برخی از تفکرات اسلامی، خورشید به خاندان نبوت و حضرت محمد (ص)^۱ نسبت داده می‌شود» (بهرام‌پور، ۱۳۸۷: ۳۶).

همان طور که می‌دانیم «نقوش صنایع دستی بازگو کننده بسیاری از آیین‌ها و حوادث از یاد رفته‌اند و می‌توان اشکال مختلف گیاهان، پرندگان و جانوران را در قالبی اسطوره‌ای و یا صرفاً تزیینی، در آنها مشاهده کرد». (بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۲۸) در این میان خورشید هم از این امر مستثنا نیست.

مردم روستای «دامین» شهرستان ایرانشهر، همچنان با علاقه به هنر سفال‌سازی، اشتغال دارند و تصاویری مانند خورشید و ماه و ستاره را به عنوان نقوش اصلی مصنوعات خود به کار می‌برند. ابزار نقش کردن سفال‌ها نیز، برگ درخت خرما یا تکه‌ای از همان سنگ مخصوص است. بیشتر نقش‌ها، ابتدایی و به شکل نقطه‌چین هستند و نمونه‌هایی از آنها، در موزه مردم‌شناسی سیستان و بلوچستان، در شهر زاهدان نگهداری می‌شود. امروزه نیز در روستای کلپورگان در ۳۵ کیلومتری جنوب شهر سراوان، که محل سکونت سفالگران بلوچ است، هنرمندان بسیاری به هنر سفال‌سازی اشتغال دارند که در میان نقش‌های سفال‌هایشان، خورشید حرف اول را می‌زند. آنچه سفال این منطقه را از سایر مناطق متمایز ساخته، این است که بلوچ‌ها، رنگ را از گونه‌ای سنگ منگنز که از کوه بیرک سراوان برمی‌خیزد، به دست می‌آورند و ظرف‌های سفالی این قوم به اشکال مختلف برگرفته از طبیعت سرسبز و گرم آنجاست. (محمدی‌سیف، خاش، ۱۳۹۳)

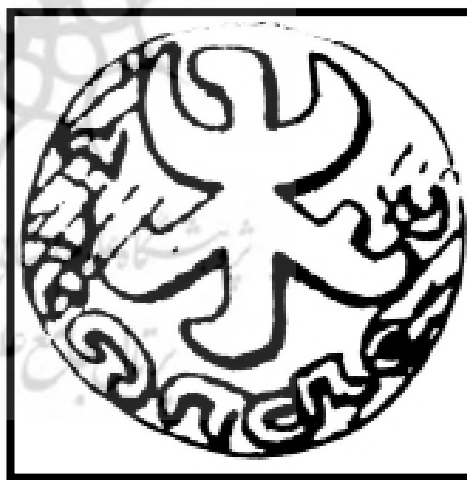
۱. ای مردم برای هدایتان از جانب خدا نوری تابان فرستادیم. (نساء / ۱۷۴)

در واقع، نقش خورشید که نمونه‌های آن بر روی سفالینه به وفور یافت می‌شود، ما را متوجه اهمیت و اعتبار این نقش می‌کند. (تصویر ۳)



تصویر ۳. نگاره خورشید بر ظروف سفالی در سیلک، قرن ۹ تا ۱۰ پ.م (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۵)

در روزگاری، خورشید به عنوان ایزد روشنی، همه‌نگر و منبع حاصلخیزی و حیات، مورد تقدس بوده و به سبب غروب و طلوع خود، نماد مرگ و رستاخیز به شمار می‌رفته است. (ذاکرین، ۱۳۹۰: ۲۴). علاوه بر این، از زمان‌های بسیار دور، انسان‌ها برای آیین‌ها، اسطوره‌ها و باورهایشان، نمادهایی را برمی‌گزیدند که یکی از آنها دایره بود که کامل‌ترین شکل به شمار می‌رفته و نمادی از خورشید با تمام خصایفش بوده است. (تصویر ۴)



آنها از نقوش انسانی استفاده نمی‌کردند؛ چون نمی‌خواستند ابهت خویش را از دست بدهند و

تصویر ۴. شکل مسطح مهر در دوره ساسانی (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۱۳؛ بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۳۰).

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۵۳

دست یافتنی جلوه کنند؛ لذا از فرم دایره که خود شکلی تمثیل شده از کل جاودانی و برآیندی از نقطه‌ای متحرک و گذشت زمان بود، استفاده می‌کردند. (لینگز، ۱۳۷۷: ۱۲۱ - ۱۲۰). «شکل دایره همان خورشید است و نماد وحدت و تمامیت که در برخی منابع با عنوان ماندالا^۱ بررسی می‌شود. (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۶۵) نقشمایه خورشید در تزیینات معماری و صنایع دستی ایران، نمودی چشمگیر داشته؛ چنان که با اندکی تأمل، می‌توان کیفیات تصویری متنوعی از آن را در تزیینات صنایع دستی، مشاهده کرد (بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۳۵). از این رو، «نماد و نمادپردازی جزء ساختار اندیشه و تفکر بشر محسوب می‌شود و تمام آیین‌های عبادی و نیایش‌های انسان بدوی، آمیخته با



تصویر ۵. ظرف فلزی دوره اشکانی
(بختورتاش ۱۳۵۶: ۲۴۳؛
شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵).

نماد بوده و به نحو سمبولیک اجرا می‌شده است. حضور عناصر نمادین در هنر اسلامی به نحوی دلپذیر و عمیق، ما را به سرچشمه‌های غنی حکمت و معرفت عرفان، راهبر می‌شود؛ زیرا آثار هنری تمدن اسلامی، چیزی جز بیان هنری و زیباشناسانه متون عرفانی و بنیادهای متافیزیکی آن نیست» (شهبازی و همکاران ۱۳۹۱: ۲۳۹). با توجه

به تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که خورشید از دیرباز و به دلایل گوناگون، مورد ستایش و احترام قرار گرفته و نگاره آن، در آثار هنری به جای مانده از دوران باستان تا عصر حاضر، انعکاسی چشمگیر داشته است. این انعکاس، تأکیدی بر جایگاه والا و تقدس آن دارد. در ادامه، به نمونه‌ای از آثار هنری باستانی اشاره می‌شود. (تصویر ۵)

در برخی از آثار هنری به جای مانده از ایران باستان «نقشمایه خورشید به گونه‌ای تجریدی و تزئینی به شکل پرخونی مشعشع تصویر شده درحالی‌که درونش با رخساره زنی با گیسوان از میان باز، ابروان در هم پیوسته و لبانی کوچک، مزین شده است.

۱. ماندالا دایره‌هایی نمادین برای تمرکز بر خویشتن و جستجو در درون انسان است.

۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به عبارت دیگر، «نگاره مذکور از تلفیق دو عنصر خورشید و مادینه، گرد هم آمده است و این امر سبب اطلاق اصطلاح خورشید خانم به این نگاره در هنرهای تصویری و یا ادبیات شده است» (شاه‌پروری و میرزامینی، ۱۳۹۵: ۵۶). ارتباط نزدیک و عنایت و توجه به فرهنگ و سنت‌های کهن ایران و از طرفی، ابتکار و نوآوری هنرمندان مسلمان، نقش مهمی در شکل‌گیری هنر ایرانی - اسلامی داشته است، به‌طوری که بسیاری از نقوش، همچون خورشید، به همان ترتیب که از دیرباز در باورها، اعتقادات، و هنرهای مردم ایران در تمام دوره‌های تاریخی حضور داشتند، در دوران اسلامی نیز به هنر این دوره‌ها راه یافتند و تأثیر بسزایی بر آن گذاردند. از این رو، شایسته است «خورشیدی را که سالیان دراز بر دسترنج هنرمندان این مرز و بوم نورافشانی می‌کرده و در اعتقادات مردم همواره زنده و پابرجاست، پاس بداریم تا هرگز غروبی بر این خورشید نباشد و گرد خاموشی بر نقوش ایرانی آن ننشیند» (محمدی‌سیف، ۱۳۹۸: ۴۰).

نقشمایه خورشید، کم‌وبیش در تمامی مراکز تمدنی ایران باستان حضور داشته است. سرخ‌دم^۱ لرستان، تپه موسیان در شمال غرب شوش، سیلک کاشان، تپه حصار دامغان، تپه گیان نهاوند، تل در مرودشت، شهر سوخته در سیستان، تپه یحیی و شهداد در کرمان، همه از مراکزی هستند که نقشمایه خورشید در آنها به کرات دیده می‌شود. باتوجه به تعدد نقشمایه خورشید در سفال‌های ایران باستان، می‌توان به این نتیجه رسید که ظهور این نقشمایه بر ظروف سفالی، تا حدودی جنبه آیینی نیز داشته است. برای مثال، «در کاوش‌های دامغان، دکتر اشمیت، احصائیه^۲ منظمی از مردگان تهیه کرد و چنین معلوم شد که در دوره اول تپه حصار تا اوایل دوره دوم، مردگان را به جانب مشرق، یعنی به طرفی که خورشید از آنجا طلوع می‌کند، خوابانده‌اند. همچنین در حدود سه هزار و ششصد تا سه هزار سال پیش از میلاد، یعنی مقارن با دوره اول شوش یا دوره سوم سیلک که در تمامی فلات ایران خورشید در زمره بزرگ‌ترین خدایان به شمار می‌رفت، تقریباً در تمامی فلات ایران نقش خورشید بر روی سفال‌ها قابل مشاهده است» (بهنام، ۱۳۲۰: ۱۴).

۱. سرخ‌دم لرستان با نام محلی خوشناموند، روستایی از توابع شهرستان کوهدشت در استان لرستان می‌باشد.

۲. دانشی که موضوع آن دسته‌بندی منظم امور اجتماعی است، آمار، سرشماری، شمار.

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۵۵

نقشمایه خورشید در قالی‌های ایرانی نیز جایگاهی ویژه دارد. نگاره مورد بحث بنا بر نوع طرح و نقش در قالب‌های تصویری و سستی مختلف، جایگاه‌های گوناگونی را در قالی‌های ایرانی به خود اختصاص داده است. یکی از این جایگاه‌ها، حضور نگاره خورشید خانم در مرکز یا به عبارت دیگر، ترنج قالی است. ترنجی که در قالی، نقطه‌ای انتزاعی و نمادین به شمار می‌آید و بر معانی بسیاری همانند ورای بهشت زمینی، کثرت در وحدت، منشأ همه هستی، عامل بالقوه، فضای قدسی، محور دنیا، واقعیت مطلق و نقطه تلاقی جهان صحنه می‌گذارد. (تصاویر ۷ و ۶)

«لذا کاربرد نقشمایه خورشید خانم که خود بر مفاهیم الوهیت، رحمت و جمال ذات حق تعالی دلالت دارد، آن‌هم در مرکز فرش که برترین نقطه قالی در جهت نیل به اهداف و نقطه مقدس به شمار می‌آید، سبب افزایش و تشدید تجلی صفات و مفاهیم نمادین نقش خورشید خانم در قالی می‌گردد و به گونه‌ای ناخودآگاه، به جلال و جمال الهی اشاره می‌کند». (شاه‌پوری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۶۰ نقل از محمدی سیف، ۱۳۹۸: ۴۱).



تصویر ۶. نقش خورشید خانم در ترنج فرش، فراهان، ربع پایانی دوره قاجار، ۲۱۱×۱۳۷ (ژوله، ۱۳۹۰: ۳۵۴)



تصویر ۷. فرش هوشنگ شاه، نقش خورشید خانم در پس هوشنگ شاه، کرمان، ۱۲۸۳ ه. ش، ۲۰۷×۱۳۵، (شاهپرووری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۶۲)

می‌توان گفت که خورشید به عنوان نماد خداوند متعال «هر دو صفت جمال و جلال را به نمایش می‌گذارد» (قریشی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

نقش خورشید در زیورآلات دست‌ساخته ایران باستان نیز مشاهده شده است. (تصویر ۸) این نقش گاه همراه با مظاهر خود همچون اسب، بز، پرنده، حلقه، چرخ و چلیپا، گاه با قرص کامل به صورت منفرد، همراه با حواشی که نشان‌دهنده تشعشعات آن است و گاه در قالب انسان نمودار می‌شود. «برای مثال، در مهری از شوش، خدای خورشید در پیکره انسانی، به عنوان خدای عدالت و قضاوت با بال راه راه، بر تخت

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران؛ خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۵۷

چهارپایه ماندی نشسته و خادم، رابط پرستش کننده را به او معرفی می‌کند» (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۶۳: ۸۲ به نقل از بهداد و جلالی جعفری، ۱۳۹۲: ۲۹). در ادامه، می‌توان گفت که علاوه بر ادیان، خورشید جایگاه قابل توجه و جدایی‌ناپذیری در ادبیات ایرانی^۱ دارد. «واژگانی نظیر مهر، هوشیدر و خور در ابیات شاعران بزرگی چون خاقانی، عطار، مولانا و حافظ به تعداد کثیر، قابل تأمل است و اشاره به اعتقادات ناخودآگاه و گرایش‌های نهانی آنان به آیین دیرینه مهر و مقام والای خورشید در نظر آنان دارد». (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۰۳).



تصویر ۸. سر سنجاق مفرغ لرستان، ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ ق. م، گدار، ۱۳۷۷، ۶۳؛ شاه‌پروری و میرزاامینی، ۱۳۹۵: ۵۸).

۱. بازتاب خورشید در ادبیات فارسی بسیار گسترده است نمونه: فردوسی در حماسه ماندگار خود خورشید را فرمانروا خطاب کرده است:
به عشق هوا بر زمین شد گوا
به نزدیک خورشید فرمانروا
(فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۲۱۶)
او در جای دیگر نیز خورشید را «تاجدار» توصیف کرده است:
دگر روز چون تاج بفروخت «هور»
جهاندار شد سوی نخجیر گور
(فردوسی، ج ۷، ۱۳۸۲: ۳۷۲)

❖ ۵۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در پایان این بحث باید یادآور شد که نقش خورشید همچنان در دست‌ساخته‌ها و صنایع دستی ایران معاصر دیده می‌شود و هنرمندان هنوز هم جلوه‌های زیبایی از این نماد طبیعی را در دست‌ساخت‌های خود به کار می‌برند. (تصاویر ۹ تا ۱۱)

شماره ۶۲ پاییز ۱۳۹۹



تصویر ۹. خورشید در دست‌بافت‌های یزدی
(گالری شخصی مهدی یزدی‌زاده، هنرمند هنرهای دستی یزد)



تصویر ۱۰. خورشید در دست‌بافت‌های یزدی
(گالری شخصی مهدی یزدی‌زاده، هنرمند هنرهای دستی یزد)



تصویر ۱۱. خورشید در دست‌بافته‌های تهرانی
(گالری شخصی فاطمه ابراهیمی، هنرمند هنرهای دستی تهران)

۵. جمع‌بندی

مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و به طور عمده، با استناد به منابع کتابخانه‌ای، به نقش خورشید در صنایع و هنرهای دستی پرداخته است. به این منظور، ابتدا اهمیت و جایگاه خورشید در ادیان و جهان‌بینی و باورهای اسطوره‌ای در ایران و جهان، تشریح و سپس نقشمایه خورشید در هنرهای دستی و دست‌ساخت‌های ایرانی عصر باستان، همچنین آثار هنری برخی از هنرمندان معاصر ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات و بررسی آثار هنری، طاق‌بستان‌ها، کاخ‌ها و نیز ظروف سفالی، فرش‌ها و دیگر صنایع دستی ایران باستان نشان می‌دهد که خورشید و نقشمایه آن، کاربرد وسیع و گسترده‌ای در تمامی آنها داشته و طبیعت، به خصوص نگاره خورشید را در هنر شرقی خود به صورت نماد و رمز نشان داده است.

هنرهای دستی یکی از وجوه تمایز اقوام مختلف از یکدیگر و مظهر هویت قومی و ملی هستند و نماد فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند. این گونه آثار هنری و دست‌سازه‌های پر نقش و نگار که زاینده ذهن هنرمندان اصیل و گویای فرهنگ و تاریخ یک قوم یا ملت هستند، با طرح‌ها و نقش‌ها، طعم‌ها و عطرها، رنگ‌ها و سایه‌های پنهان

در خود، جهان‌بینی، فرهنگ، دانش و هویت سازندگان را به مخاطب منتقل می‌کنند؛ بی‌تردید ده‌ها جمله و صدها واژه نمی‌توانند این چنین روشن، از هویت و فرهنگ و نگاه یک سخن‌بگویند.

منابع

- اولانسی، دیوید (۱۳۸۰). پژوهشی نو در میتراپرستی. ترجمه مریم امینی، تهران: چشمه.
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۵۶). گردونه خورشید یا گردونه مهر. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ اول، مشهد: توس.
- بهداد، حمید؛ جلالی جعفری، بهنام (۱۳۹۲). «بررسی آرایه خورشید در صنایع دستی و تزیینات معماری یزد». نشریه هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۲۷-۴۲.
- بهرام‌پور، نسرین (۱۳۸۷). بررسی نمادهای مقدس ایران در سفال. تهران: شهرآشوب.
- بهنام، عیسی (۱۳۲۰). صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ. تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
- جعفری قریه‌علی، حمید (۱۳۸۵). «مهر و خورشید در منظومه‌های حماسی ملی». کاوش‌نامه، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۹۶-۶۳.
- دادور، ابوالقاسم؛ منصور، الهام (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. چاپ اول. تهران: دانشگاه الزهرا.
- دوبوکور، سونک (۱۳۷۳). رمزهای زنده جان. تهران: مرکز.
- ذاکرین، میترا (۱۳۹۰). «بررسی نقش خورشید بر سفالینه‌های ایران». فصلنامه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۰، صص ۳۳-۲۳.

نگاره خورشید در هنرهای دستی ایران: خاستگاه و جلوه‌ها ❖ ۶۱

- رضی، هاشم (۱۳۸۱). پژوهش‌هایی در تاریخ و آیین رازآمیز میتراپی در شرق و غرب. تهران: بهجت.
- رضی، هاشم (۱۳۸۲). دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت. تهران: سخن.
- روزنبرگ، دونا (۱۳۷۹). اساطیر جهان. ترجمه عبدالحسین شریفیان. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- ژوله، تورج (۱۳۹۰). پژوهشی در فرش ایران. چاپ دوم، تهران: یساولی.
- ستاری، جلال (۱۳۹۴). رمزپرداز آتش، تهران: مرکز.
- شاه‌پروری، محمدرضا؛ میرزاامینی، سید محمدمهدی (۱۳۹۵). «تجلی نقش خورشید خانم در قالی ایران». فصلنامه جلوه هنر، شماره ۱۵، بهار و تابستان، صص ۶۶ - ۵۵.
- شهبازی، مجید؛ میرزایی، قاسم؛ محمدی‌کیا، محمد (۱۳۹۱). «نقش عناصر طبیعت و نمادپردازی در عرفان و هنر اسلامی». فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۹۱، صص ۲۴۱ - ۲۲۳.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایرانی. تهران: توس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). شاهنامه. تهیه و تنظیم سعید حمیدیان. چاپ ششم. جلد ۶ و ۷. تهران: نشر قطره.
- قریشی، زهرالسادات و مهین؛ حاجی‌زاده (۱۳۹۵). «بازتابش‌های نقش اسطوره‌ای خورشید در مثنوی مولانا». مطالعات عرفانی، شماره ۲۳، بهار و تابستان، صص ۹۹-۱۳۲.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸). از گونه‌ای دیگر: جستارهایی در فرهنگ و ادب ایران. تهران: نشر مرکز.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۱). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام. تهران: علمی و فرهنگی.
- لینگز، مارتین (۱۳۷۷). هنر خط و تذهیب قرآنی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: گروس.

۶۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- محمدی، رامونا (۱۳۸۷). «نقش خورشید در هنرهای اسلامی». فصلنامه نقشمایه، شماره ۲، سال اول پاییز و زمستان، صص ۶۰ - ۵۱.
- محمدی سیف معصومه (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی هنرهای دستی زنان ایران زمین. تهران: اندیشه احسان.
- محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۳). پژوهش میدانی در خاش.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. جلد اول، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- ملک‌زاده بیانی، ملکه (۱۳۶۳). تاریخ مهر در ایران. چاپ اول. تهران: یزدان.
- وحیدی، حسین (۱۳۶۴). «از پرستش خورشید تا فرزانه (فلسفه) فروغ»، ماهنامه چیستا، بهره، ش ۲۵، صص ۳۳۴ - ۳۲۳.
- ورمازرن، مارتین (۱۳۸۳). آیین میترا. ترجمه: بزرگ نادرزاده، چاپ پنجم. تهران: چشمه.
- ویدن گرن، گنو (۱۳۸۷). مانی و تعلیمات او. ترجمه نزهت صفاصفهانی، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۹). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه، چاپ هفتم، تهران: جامی.